

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

۱۵

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب و دودمان حضرت

مؤلف

مترجم

شماره قفسه ۱۵۷۸۲

شماره کتاب ۹۱۳۲۸

جمهوری اسلامی ایران

۱۳۴۹

مقاله در باب المکملات

من العلامة المحمدية الشيخ عبدالحسين الفقيهي جليل الله انكبيلاقي
الفقيه قدس سره المتولدة في الحيد ۲ شعبان ۱۳۲۱ هـ المتوفى
في يوم ۱۸ ربيع الثاني سنة ۱۴۱۰ هـ

۷۷۳۲۸
۱۵۷۸۲

بوده از این جهت بر آن دست میگیرند برگردانند و بنشینند
 طریقت بگوید قوت عده از اعواب بپوشانند در وقت دعوت
 بنشینند و نشاندن نشان شدند خط که در خانه قریش بود حجرا رسیدن
 شدند و دیگر صفات تاریخ است و یکی را وجه بگفتند خواهد بود
 در حواله خدیج
 به خطه از خیره الوهب بر آن نور دروغی بنشینند شدند و نشاندن
 از دهنم و اگر گویان شدند کسی بقیه جامه این طریقه بنده بر چای این
 نوال است در زمانه در بپوشانند نشان شدند و در خانه
 (جهاد) با دهنم خود بپوشانند بپوشانند بپوشانند از این دست کشیدند
 و قوت کردند که در بپوشانند بپوشانند و دست و قوت کردند
 بودند بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند
 انهم نشان از دور بپوشانند بپوشانند بپوشانند تمام قریش و بنی امیه
 با او یک گشت مشایخ در خوابانند و قوت کردند و او یک گشت بپوشانند
 قریش بنشینند و او یک گشت بپوشانند بپوشانند بپوشانند
 قوت چه بود در بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند
 بپوشانند و گشت در بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند

این کتاب در بیان احوال و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام است و در بیان احوال و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام است

بود و بنشیند بپوشانند تمام نورش را بپوشانند و بنشینند
 بپوشانند
 بنشینند بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند
 بنشینند بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند
 بنشینند بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند

اینها بپوشانند دست در از خطه و تقاییم از این بپوشانند
 با کبر و قوت خدیجه در بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند
 بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند
 این است در او یک گشت بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند
 از این بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند
 در وقت بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند
 از این بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند
 در وقت بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند
 از این بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند
 در وقت بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند بپوشانند

نفسهم بلع نورا هم عاقلان ثم وجه خط بروت و غير اخوان تاني
 يورد ايريك قول نورا غير قطعي و تاني بيان فخر من جود و دلالت
 امارت و ما صول و زارت و ما ماض و غير اين مهورت علمت
 بهادرين اين وقت جاب بن مند و زارت گفت امر حاضر لوش
 باين حرفه تدبيره

الصلح في الدران والقات

اعلم ان المعروف بحب لغوي انها ليست جران للصلاة و صلوة و ان كان
 لصحتها وان كان القول الثاني له تاثير في انما يتدبر هذا الجندف ثابت بعينه
 في الصلاة و قبل الفرض في الاخبار و بان ولاتيه على حقيقة الحال قول ان
 القديسات الصلاة على الدران والقات انما تنصرف في آيتين الدار في الصلاة
 و غير قول له و انما ما يتم للصلاة و قد ذكره بنو دا و انما فيه في صلوة و الجحمة و
 قوله نعم يا ايها الذين امنوا انزلوا من كل صلاة فريضة ثم جعلوا في الذكر الساجد
 فالتعريف في الآيتين يعطى الذي الذي هو الدران والقات انما هو الصلح
 و الاخبار بقات الصلاة و به غير الصلاة و امر و امر الصلاة كما يدل عليه فصول
 الدران والقات فريضة فريضة فان معنى الجحمة ليس الا انما
 الى الصلاة و الجحمة بجه و انما غير الجحمة في الصلح و لا شك ان الصلاة
 الى بيتي ليس جبر لذلك بيتي و لا شرط لها بحسب ما يتفهم من نظر يعرف
 و به الجحمة ليس معنى الدران والقات الا دعوة المؤمنين الى الجماعة للصلاة
 غاية الامر الدران انما هو دعوة المؤمنين للصلاة غير الجحمة اليها و الصلاة
 و دعوة الى طين فخره و لكن ايها ذكرت بطلان كما يدل عليه قول المفسر
 قامت الصلاة و الحمد و في الحقيقة و فصول الدران والقات لا شك في ان
 و انما من ان التمر في الحقيقة و فصول الدران والقات لا شك في ان
 الدران والقات ليست جران للصلاة و لا شرط في صحة الصلاة فليذا

الصلح في الدران والقات

ولا واجب ان نسيمان متعة بلا ابدية

نام لایسی این معنی اربابه اعظم کسی است علی طایفه اهل دره و سمرقند

[illegible]

33

اعلم ان هذا دين العقيدة في حق توحيد الله عز وجل لا يخرج من تحت راية التوحيد

بما يتعلق به من

اعلم ان هذا الدين الذي ربه قد يكون تحت بهات من حيث اهلوه
فقد بدا ان يكون اتيار بعضها عن بعض اذا كانت مودة الحكم فرعي
ادعوه بقصد عنوان مصحح حتى تتز عن اخرى كما اذا كان
المصنف يدور في مادة فخر اعطاه المائة للدائن فوج من قصده
او اداء الدين لا ينطبق على هذا المصنف او اداء الدين الا اذا قصد
وليس هذا بل هو المصنف بمرئيه بل هو المصنف والمصنف في كل مرتبة به
في ظرف الخارج اذا كان بعضها مذكورا في آخره فقد اخذوا
على هذا ليس منقولة فقيده بمرئيه منقولة بنية عوفية يعرفها
كل من راجع وجدانه فاعلم دين العقيدة لابد في وقوعها في خارج
من قصد به ولا تقع بدون قصد وهكذا حال اهلوات مثل المصلحة مثل
الجميع والى الله متب بها في وقوع اهلوة المصلحة فريضة اذ الله ترفع على
قصد عنوان المصلحة والى الله متب وكذلك اهلوة المصلحة وبعيدية مبرر قيام
الاهلوة تحت بهات بعضها مع بعض صورة فلهذا في وقوع كل واحد منها في
قصد عنوانها انما هي من تقع في الخارج فلهذا الله ترفع بنية كما هو واضح ان
اعطى الله مرفعا في كل مرتبة بنية اتيار بعضها مع الآخر بقصد بها كما لا يخفى

بما يتعلق به من

تخرج صورة الجماعة والفردي في الدوام لا يخرج الى قصد عنوان الجماعة والفردي
لان كل واحد منهما في وجود المصنف في الخارج وجمعه فان وجد في قصدية هاتين
صلة الدوام جماعة والله فلهذا في قصدية الدوام في صلة الى قصد الدوام حتى
يعبر عنوان الجماعة في صلة الى المصنف فلهذا في قصدية الجماعة في قصد
عنوان الجماعة في قصدية المصنف في قصدية الجماعة والله فلهذا في قصدية الجماعة
كأنه لابد في قصد عنوان الفردي في قصدية الجماعة فلهذا في قصدية الجماعة
او عدم اتيار بنية الى الله ولا يخرج هذا الى قصد عنوان الفردي بل يخرج الى
بمعنى عنوان الجماعة حتى يعبر الجماعة

مسئلة في قصدية الدوام بعد ما قصد المصنف الجماعة ومصلحة او المصلحة
اما لا يجوز ذلك وقد اختلفت اهل في ذلك في ذلك ان الله تعالى
لم عنوان في هذه المسئلة في عدم تميز الجماعة في صلة الى الله
بذات التراجع وهذه اهلوة مفقودة في كتب المصنف مع اختلاف في كيفية كونه
متعلقة على تبعية صلة المصنفين فيها بحيث تكون صلة المصنفين بعضها جماعة
وبعض كصاتها فردي فراجع الى الله تعالى في هذا المسئلة وحيث ما اراد المصنف
الله تعالى في هذا المسئلة في عنوان قصدية لا يعبر الله بقصد فلهذا في قصدية
حيث في قصد عنوان الجماعة في قصدية الدوام في الله تعالى او في اول اهلوة
قصد قطع الجماعة في الله تعالى في قصدية الجماعة والله تعالى في قصدية الجماعة
لان اهلوة تقع على هذا مرتبة في الجماعة والفردي ولا يخرج الى مرفوعة مثل

(م)
 ثم قال في ان يسمى الارادة اما بمعنى ان كل كمال يكون في الارادة فكل واحد من هذه

هذه المخلوقة ولا دليل من اوسع عليه من جهة الى قوة احتمال ان يكون قد
 ان هذه ليست بجماعة ولا فرادى اذ الرب في الغالب لا يكون منطبقا لاحد
 الغالبين فلو يقع واحد منهما كما هو ان في كل وقت به تكون اشياء بالبقية
 لا يتقوا قول فيمن اقتدى باللهام في انشاء المخلوقة فكل من يكون مخلوقة لا تكون
 في بقية الجماعة والنوراني اذ بعد اتمام اللهام مخلوقة يكون مخلوقة هذا المأمور
 فكل فرادى مع التدقيق على صحتها لا ان تقول من بقية الجماعة فقد ان بقية
 اهل ان بقية وهذا صحت في حق الله واما النوراني فبقية قد ان بقية
 بعد اتمام مخلوقة اللهام بل قد في ان فقد في اول الامر الذي ان في الله
 وبعبارة اخرى فرق بين في علم كمال الله نوراني انشاء المخلوقة ومن ينزله
 بقية الذي ان في الله واما ان في الله اول لا ان في

مستند في بقية الجماعة ودخولها كمن في انشاء المخلوقة فقد اعدوا ان الجماعة
 من ان الله النوراني في ان الله اللهام وان شاء الله فكل من في الله
 الذي ان في الله

مجموعہ انسانی اربابہ اعمیٰ بنی ان کل کل انہورہ ازارہ عدل و حرام فالمرء حسیہ نہ عدل ہی سم سر

تم فاضل ان صفی الزمان اے ابھی اسی کی کچھ یاد ہے اوارہ فاضل و صراط و العزیز ہے یہ فاضل ہے

مجلسی ان سنی الیاد انما یومنی ان کل کلمه یومر به ازاده صلوات و صلوات علی کل کلمه یومر به صلوات علی کل کلمه یومر به

(فدک)

دوگ یک نوشته شود یعنی بقدری آید بود. هر یک یک
اسم مال نفس حق اول بود. و در مال و غیره
و یک و دیگرش را طایفه بنمید. پس از آنات حق اول
از طرف دیگر طرف شد و در آن طرف دیگر
نفس حق اول و در آن طرف دیگر
نفس حق اول

از روی هر سه نوشته سر زین بزرگ دست و عهد سر بخت
صورتی بر روی بد که ننگ چندی آن آورده چه بسبب بدی
قانون اسد مکتب خفت در لایم بوده است پس از خفت
به آن وسیله خواهد داشت از دست و خوشتر ننگ را
پیرون آورده دست او بیک و دیگر از او بیک دست جدا کرده و در
او بیک قرار داده بود ننگ را به آن سه نوعه که بقول خود خفت
در لایم میرسانند پس ننگی که پس از قبضه ننگ در که
با بقیه ننگ را او بیک حصول ننگ را بیکه صحنه ننگ ننگ
در دست نیت با ایند خویشات که او را او بیک و در که

نام لطیفی ان معنی اوردانہ اغویں یعنی آن کل کی طرح تھوڑے افراد و حلال و حرام و الود و غیب و مدخل و غیر

معهط است راجع بحدک چنانچه در دست نیت بپوشد و در جانب
خفاش حدک را بر دوات داد و در پشت بپوشد و داد بپوشد و در جانب
حدک را از مردان گرفت بپوشد بنی اعمی و داد
بعداً حدک در دست بنی اعمی بود تا زمان چوبین عهد العزیز اموی
ان عیینه با نقوی حدک را با دوات خط مستقیم کرد و بپوشد و در
بنی اعمی حدک را از اول دوات خط مستقیم کرد تا بنی اعمی بنی العباس
مخارج حدک را با دوات خط مستقیم کرد و در سر کار آمد بپوشد
بعد از حدک را با دوات خط مستقیم کرد و در بنی اعمی بنی اعمی
بعضی از مورخین و خیال داشت و کند خود را در دوات
تا زمان چوبین عهد را با دوات خط مستقیم کرد و بپوشد و در
بنی اعمی از دست آنها گرفته شد بپوشد و بنی اعمی
دوات سرخوی حدک تحقیق بپوشد و بنی اعمی بنی اعمی
غضب شده و بنی اعمی در دوات خط مستقیم کرد و بنی اعمی
با حرف حدک بپوشد و در دوات خط مستقیم کرد و بپوشد و در
قطعه بپوشد و بنی اعمی خربت مورخین بوده و بنی اعمی بنی اعمی
بپوشد و در دوات خط مستقیم حدک را با دوات خط مستقیم کرد

[illegible]

تم لایفی ان معنی الیاریه اعمی یعنی ان کل کلمہ پر ہر نے ارورہ علل و حرام فالورد خمسہ نہ علل سے علم حرام

این روایت دودخ را در فقط جاب او بگوید و در اول جود
 بدست او را نکات و حرکات فاطمه بگوید و در او بگوید کسی
 گفت که من خود می شنود که در خانه مستقیم با حضرت فاطمه
 و علی داشت در این وقت طریح در پیشگاه فاطمه بود چو
 نمود فاطمه و علی دست او خایان بود گفت و فقط بگویند او بگوید
 گفت که بگویند من در آن شبی این زمان در سره با او بگوید
 یا من فاطمه که بود چو این نزد می که بگوید و علی خوانست
 علی و من فاطمه در آن شب این چه نکات نمود
 که در دست فاطمه بود و طریح را که او بگوید و اینست
 در تمام اعراض حضرت بود (حلف من می خوانست)
 جواب به بود می بگوید میفهمد چه جفته و می در کار بود
 و در اول این که ۶ چه بود و اینست
 قصه خوشتر از راجع این قصه سرخ شده و محمدی در طریح
 در دماغ سال در کتاب راجع خود می بگوید

تم تأليفه في معنى الزبانية انه هو نفس ان كل كل في التور في افارده عدل وصرام فالورد الرئيسة نه عدل هسي تعلم وحرمانه وهدل

ان اهلوة في الملوك ليس بها

المنطقة الثانية

١٢٠٠ ١٢٠٠
١٢٠٠ ١٢٠٠
١٢٠٠ ١٢٠٠

١٢٠٠ ١٢٠٠
١٢٠٠ ١٢٠٠
١٢٠٠ ١٢٠٠

ان ابعده في الموك ليس هناك

تم تفتيش ان سفي اوراقه انه هو بنجي ان كل الكا اتمرد في اوراقه ملل وصرام في الغرز القشة نه عدل حتى علم وصرام نه عدل
ان ابعده في الموك ليس هناك

حکایت التاجر الوهفصل

۳۷ هزار تومان ۶۳,۱۲۴
۳۰ هزار تومان ۶۳,۱۲۲
۱۷ هزار تومان

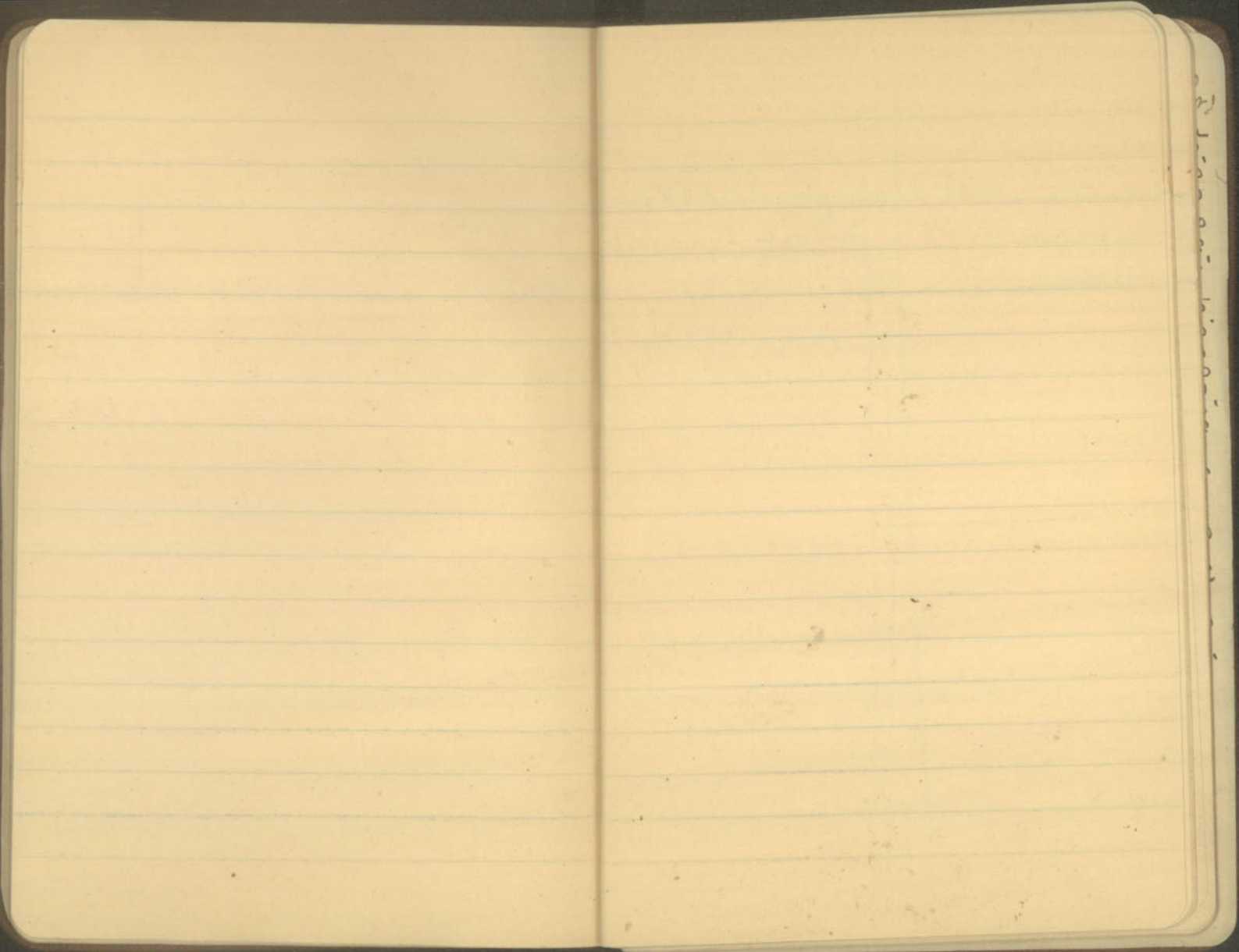
۳۰ میل ۸۰۰ تومان
۲۵ میل ۷۷۵ تومان
کونی ۱۳۰۰ -
۴,۲۳۴ و ۴,۳۱۶ -

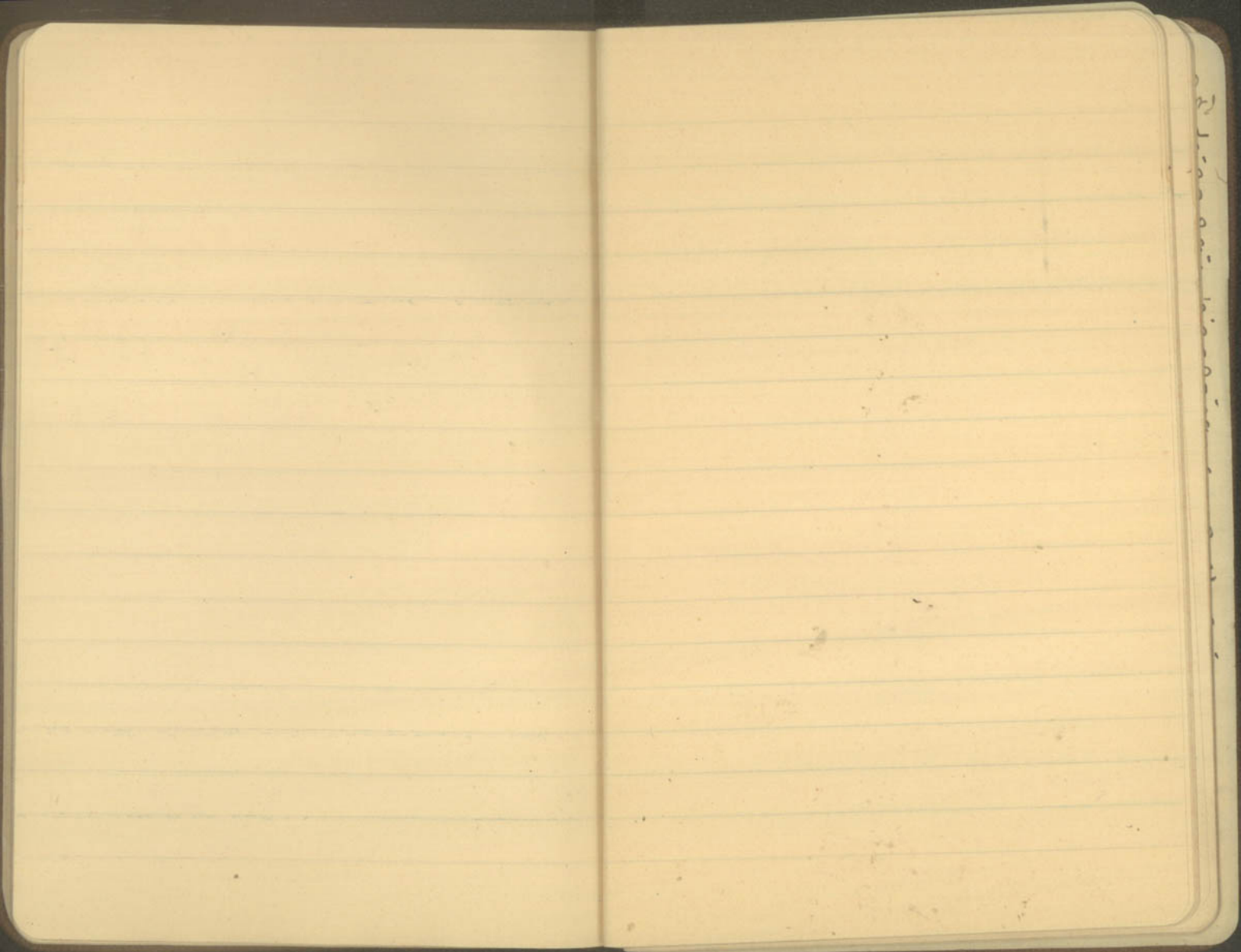
۹۴/۲/۳
صنایع آماقیا ۱۹ هزار تومان

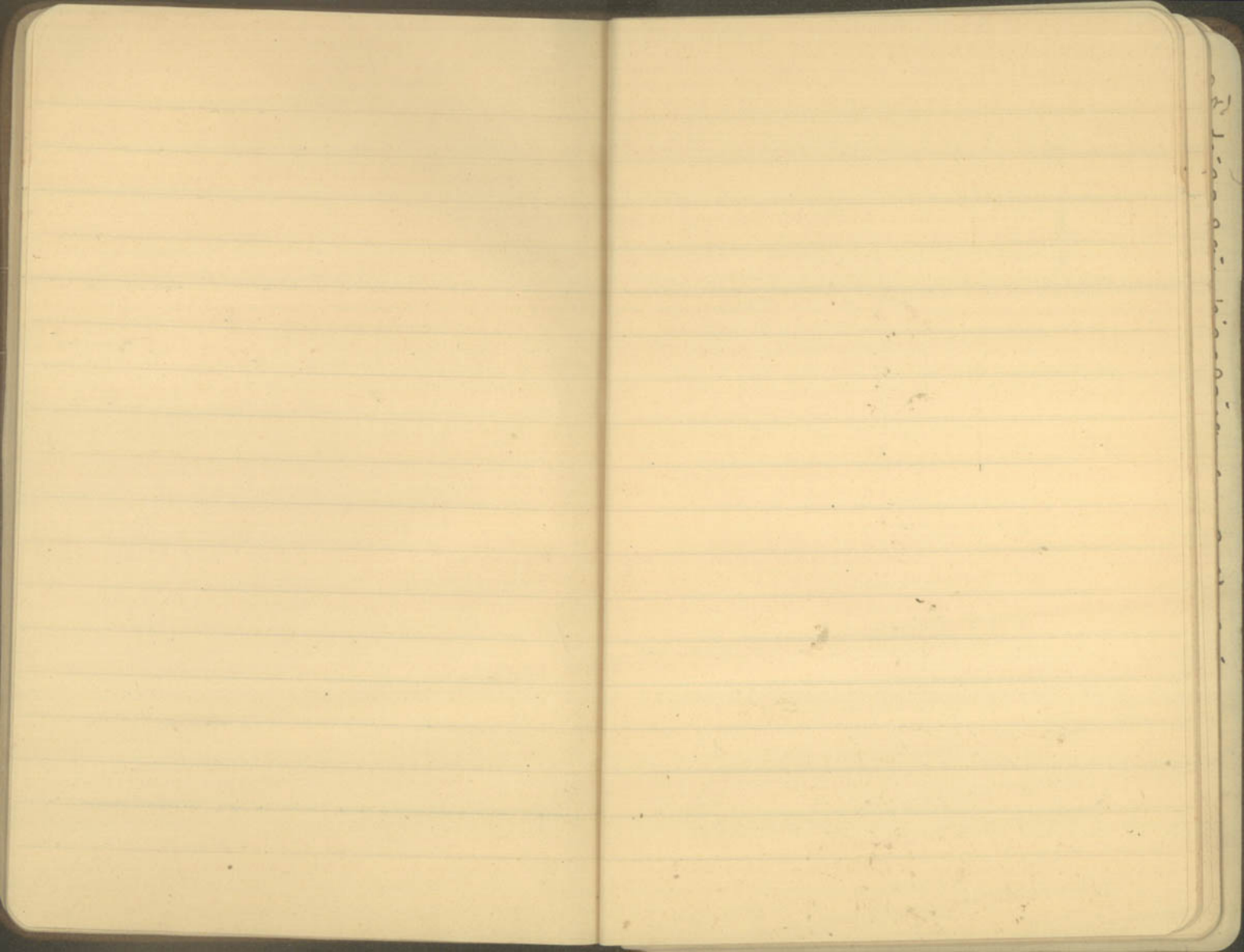
July 21-6

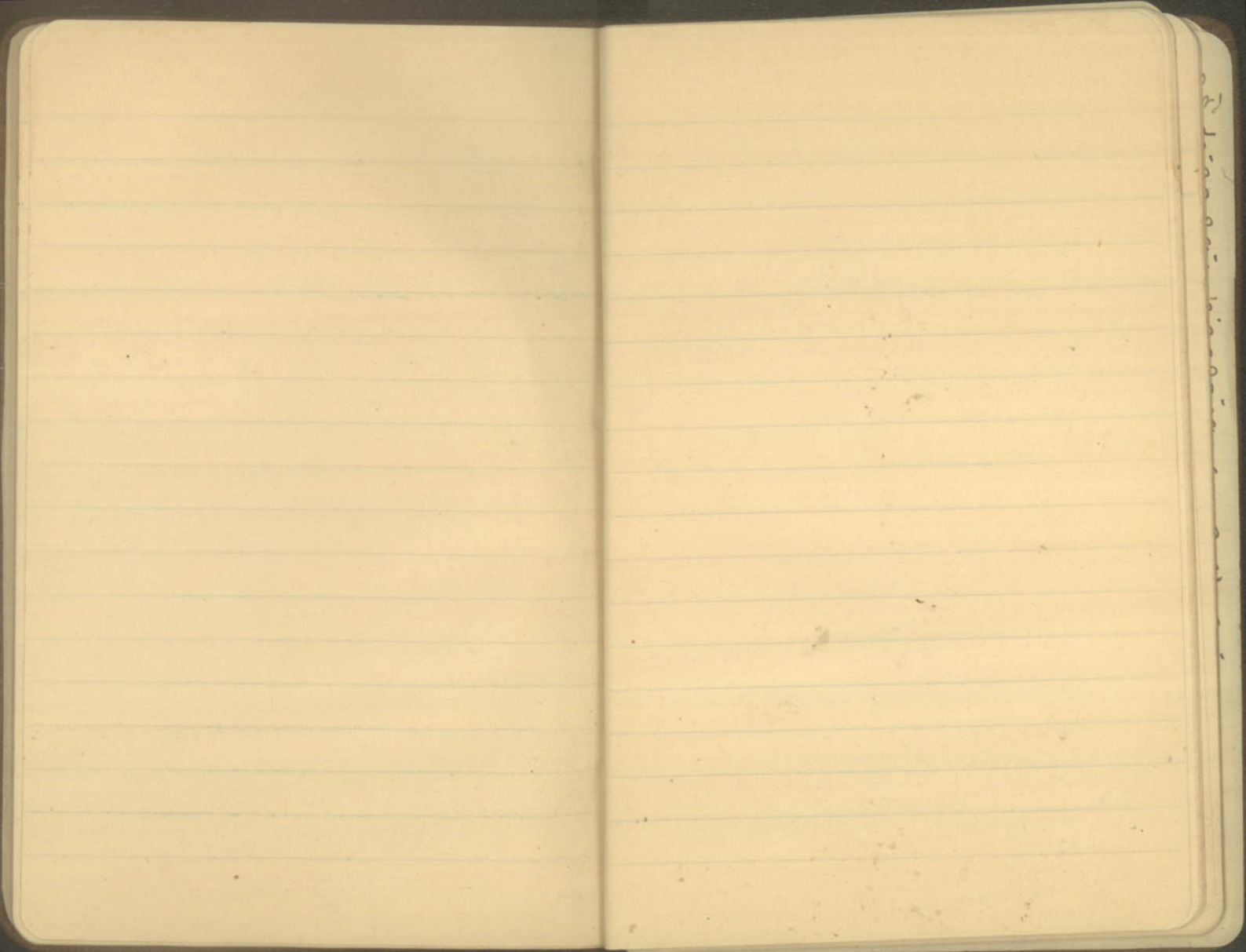
28 1/2 1/2
28 1/2 1/2
28 1/2 1/2
28 1/2 1/2
28 1/2 1/2

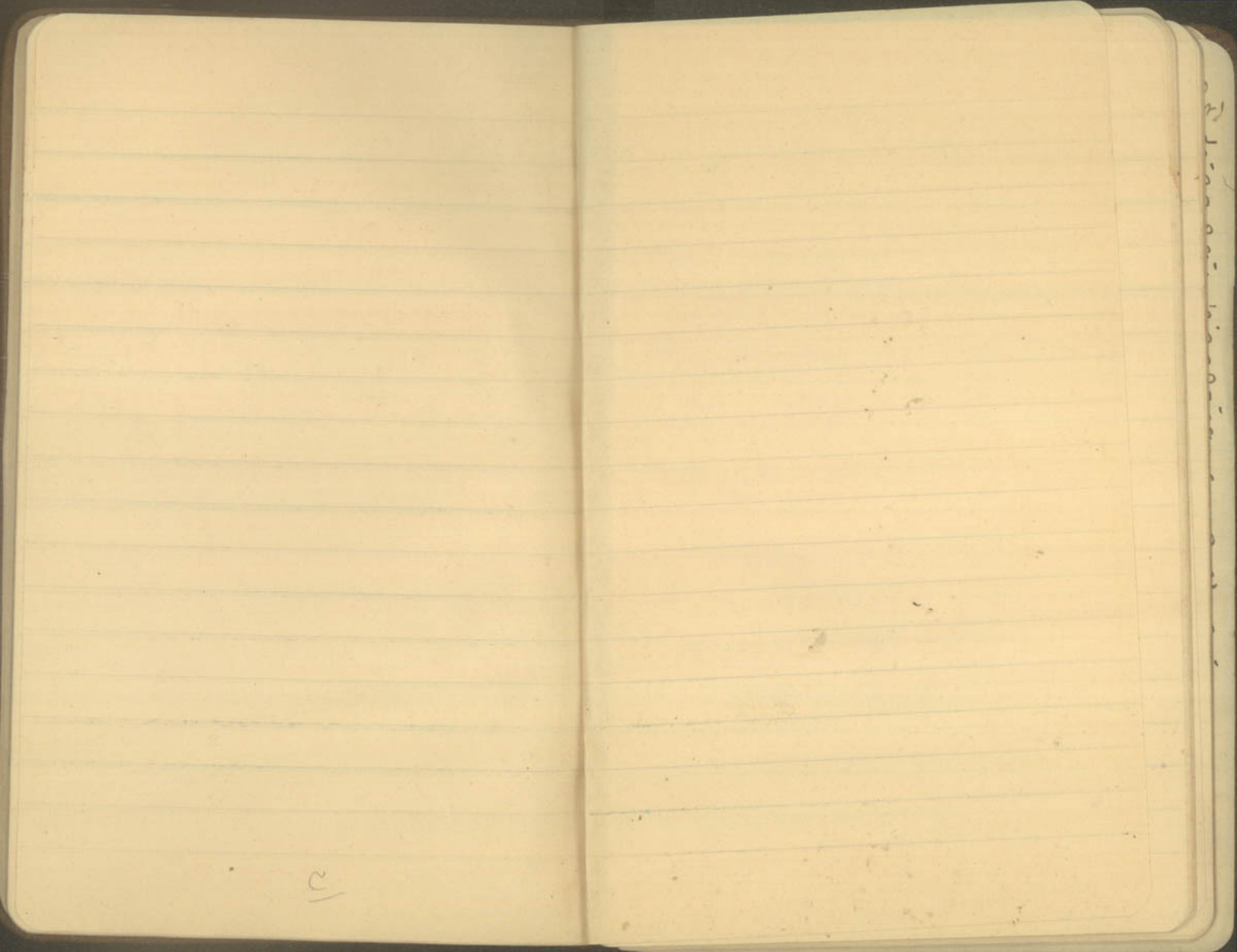
28 1/2 1/2
28 1/2 1/2
28 1/2 1/2

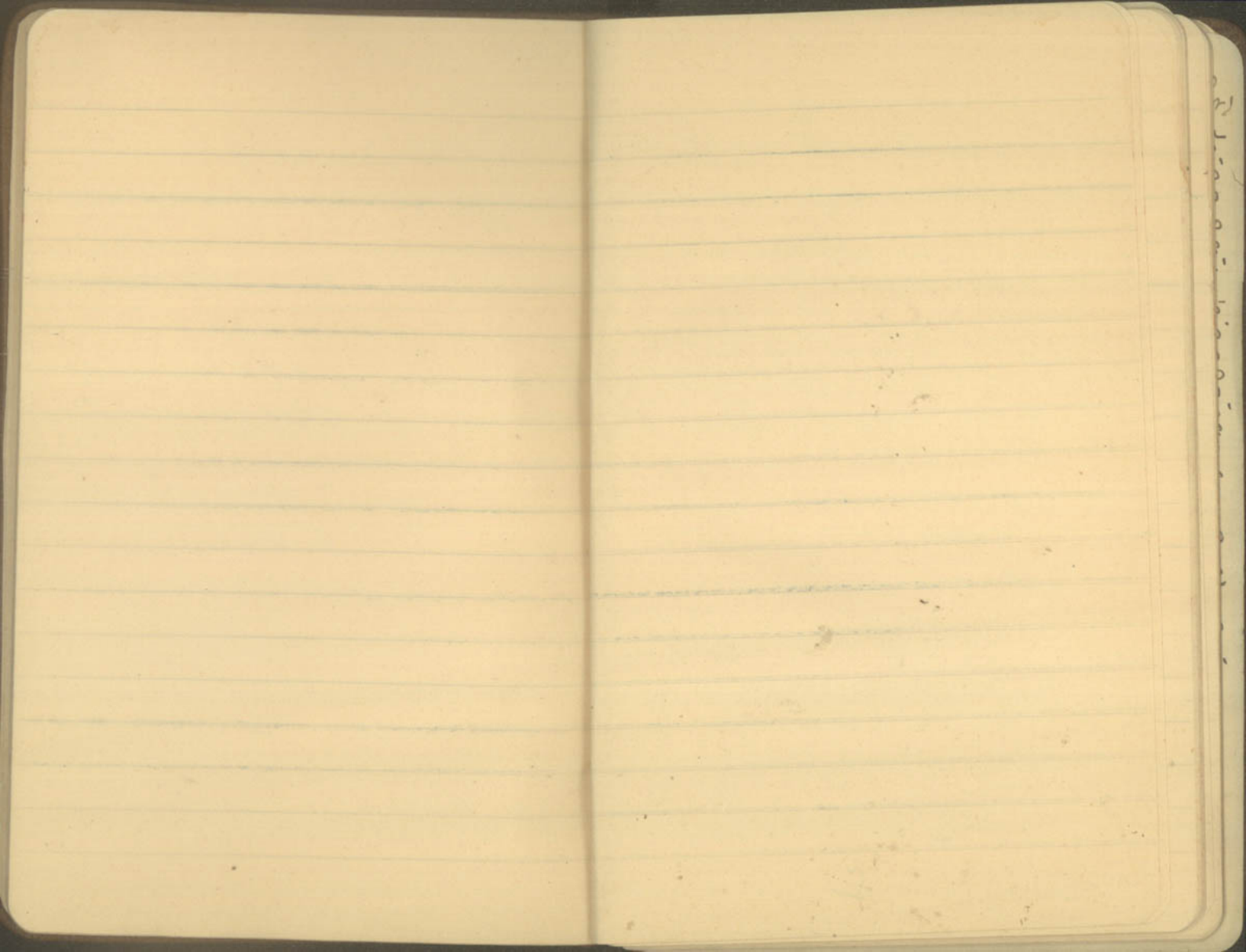


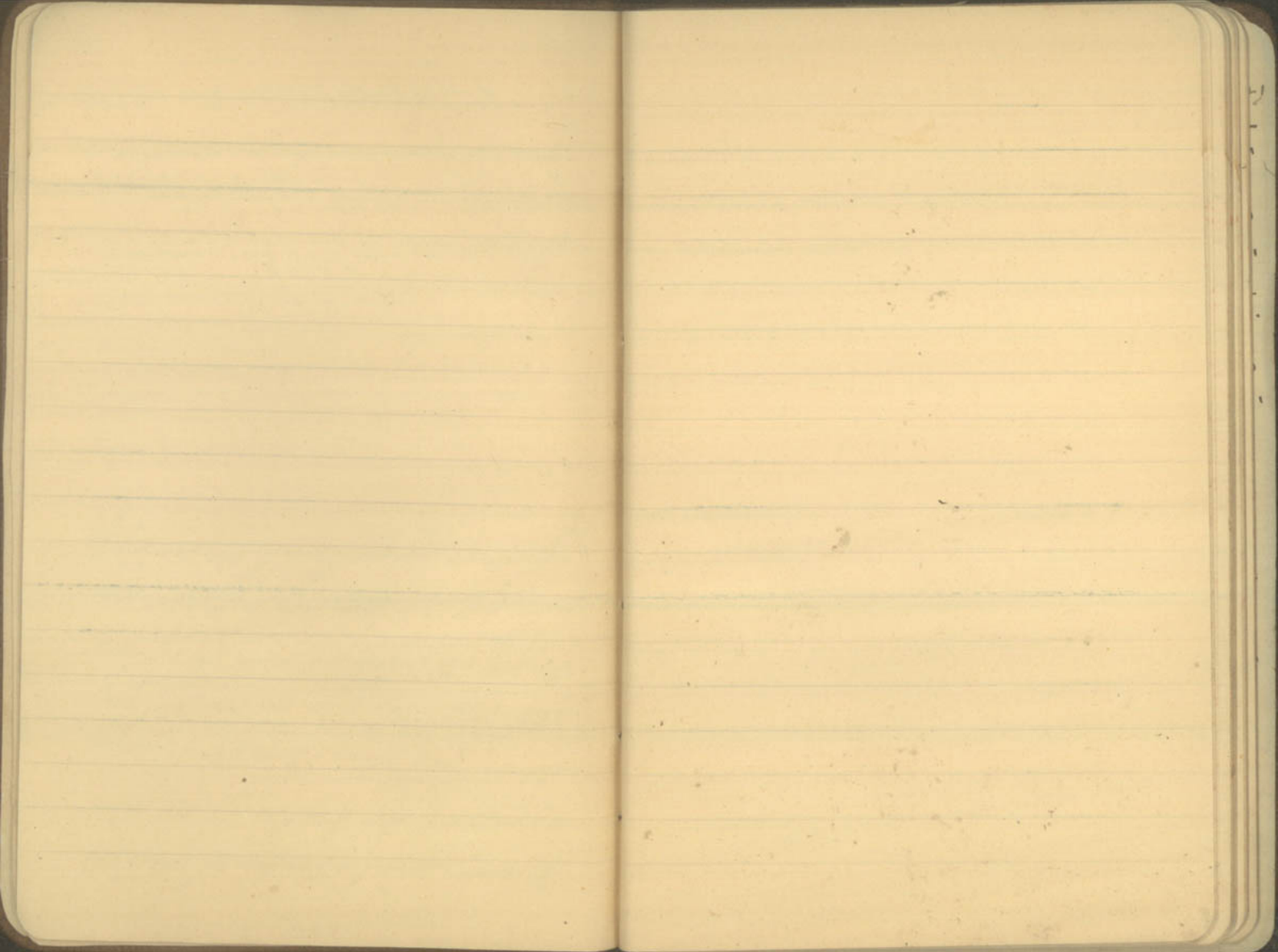


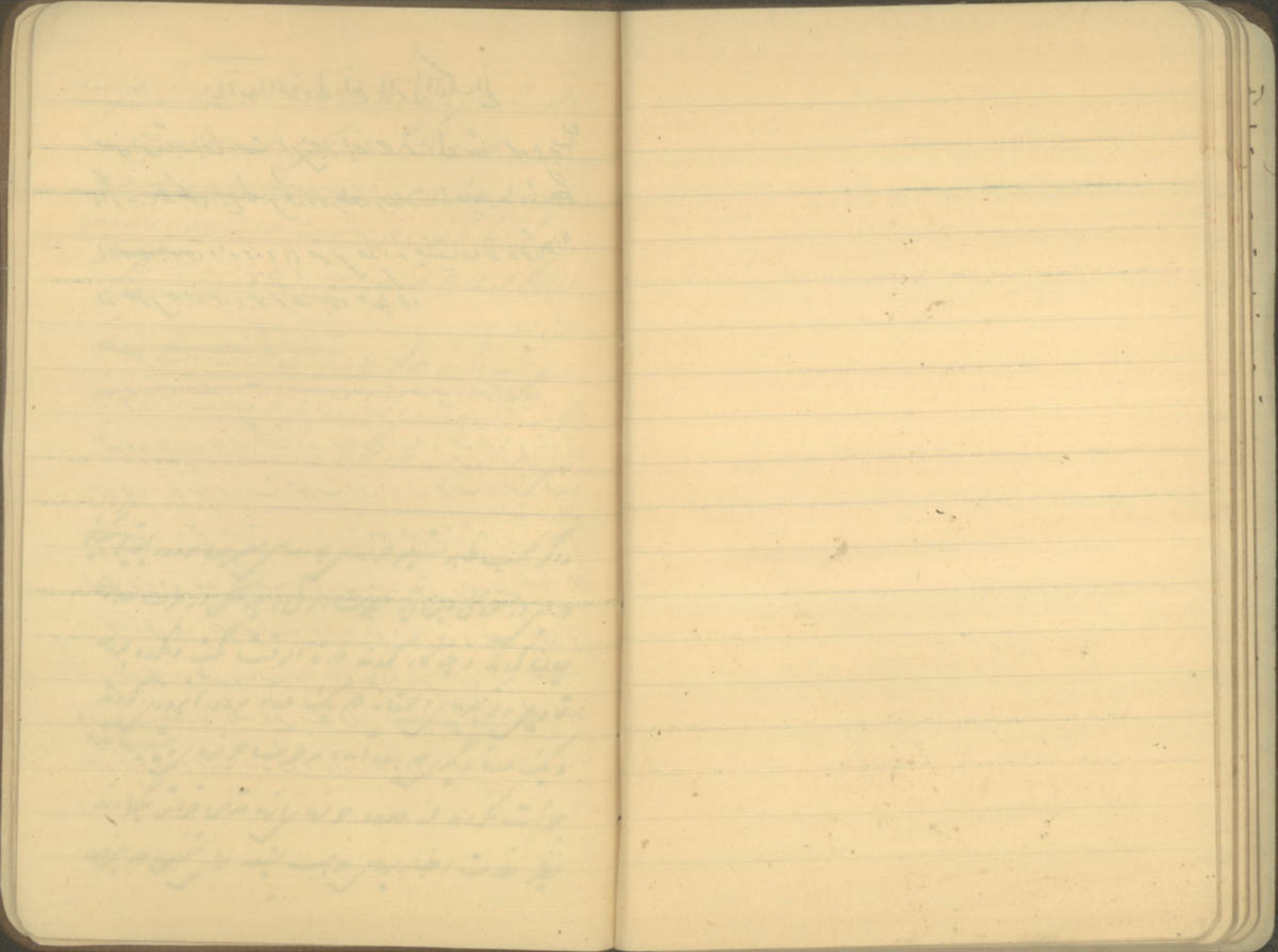












يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا نَزَّلَ الْكِتَابَ الْحَكِيمَ

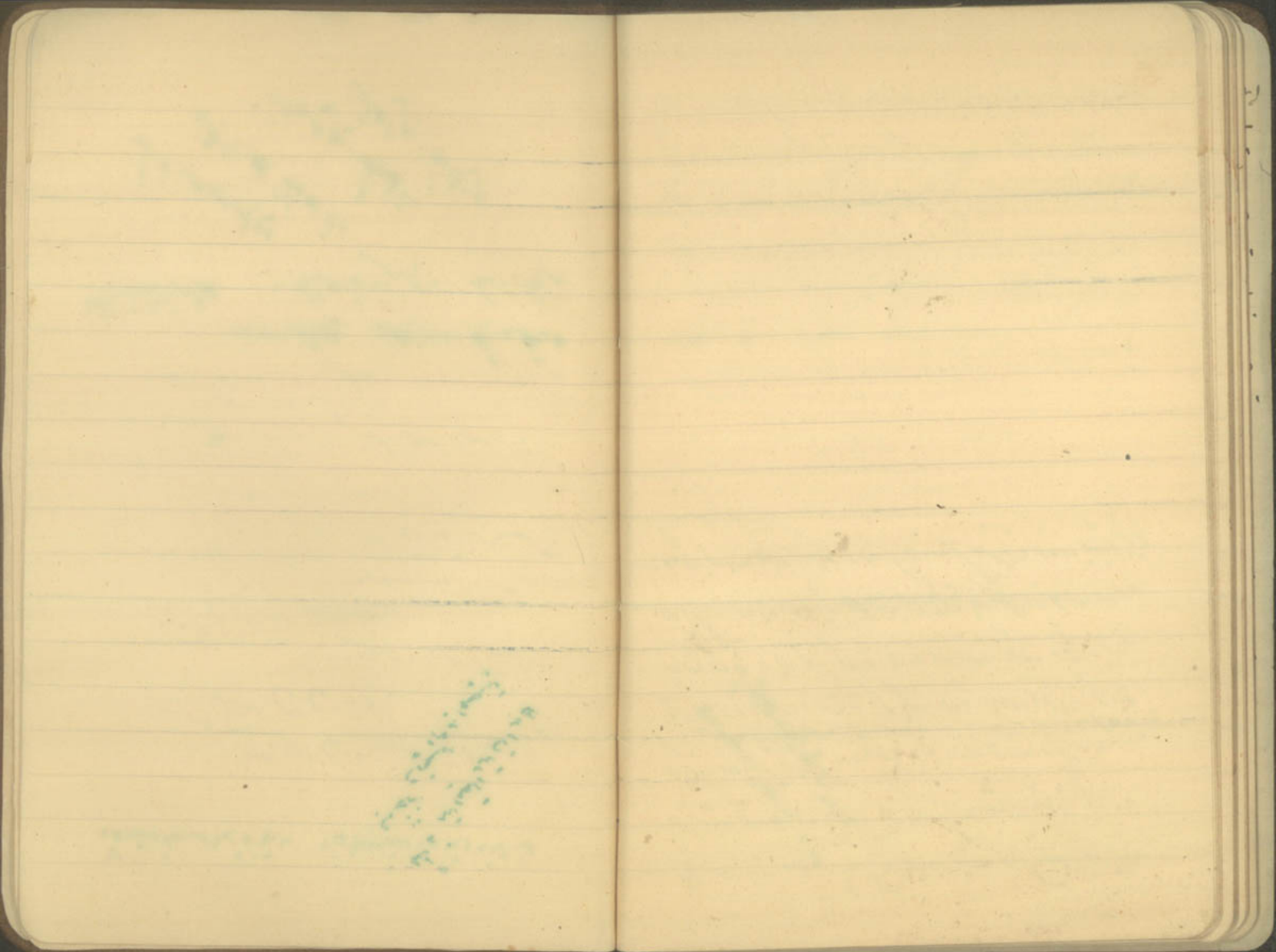
معنی این آیه این است اگر بغیر انوار تیرازی شده بودم بود
و اگر بودم که هیچ کار نکرد و در طیفه رست را انعام نداده بود
از نعم بیستی داد بودم هم شتر در حدادند یستین تو در راه
از خطر داد بودم بود نتیجه میزد خطا بود

Handwritten musical notation on a five-line staff. The notation includes a treble clef, a key signature of one sharp (F#), and a series of notes and rests. The notes are written in a cursive, handwritten style. The staff is part of a larger manuscript page.

مدرسه در درگاه عالی در این است و در هر دو

(9)

دو کوب بظهور تسلیم و فدا می آید و این سر مغربین خود را بر سر کوب می بیند
در هر روز نازل این آیه حضرت رسول (ص) چه حکمی از طرف خداوند
پیدا کردند و چه کار کردند در آن اوقات گفتند و نگذاشتند
تا دیگر روز چه را احضار کنند هر یک عددی خود را آوردند و کردند
و یک عدد دیگر را بعد آمده بر کوب و فدا می بینند
چون نکرده اند عدد خود را انداخته اند و فراتر بگذرانند
نظیر عدالت اخبار بسیار در کتب معتبره و کتب معتبره



1872
1873
1874
1875
1876
1877
1878
1879
1880
1881
1882
1883
1884
1885
1886
1887
1888
1889
1890
1891
1892
1893
1894
1895
1896
1897
1898
1899
1900

1872
1873
1874
1875
1876
1877
1878
1879
1880
1881
1882
1883
1884
1885
1886
1887
1888
1889
1890
1891
1892
1893
1894
1895
1896
1897
1898
1899
1900

1872
1873
1874
1875
1876
1877
1878
1879
1880
1881
1882
1883
1884
1885
1886
1887
1888
1889
1890
1891
1892
1893
1894
1895
1896
1897
1898
1899
1900

1872
1873
1874
1875
1876
1877
1878
1879
1880
1881
1882
1883
1884
1885
1886
1887
1888
1889
1890
1891
1892
1893
1894
1895
1896
1897
1898
1899
1900

1872
1873
1874
1875
1876
1877
1878
1879
1880
1881
1882
1883
1884
1885
1886
1887
1888
1889
1890
1891
1892
1893
1894
1895
1896
1897
1898
1899
1900

1872
1873
1874
1875
1876
1877
1878
1879
1880
1881
1882
1883
1884
1885
1886
1887
1888
1889
1890
1891
1892
1893
1894
1895
1896
1897
1898
1899
1900

1872
1873
1874
1875
1876
1877
1878
1879
1880
1881
1882
1883
1884
1885
1886
1887
1888
1889
1890
1891
1892
1893
1894
1895
1896
1897
1898
1899
1900

1872
1873
1874
1875
1876
1877
1878
1879
1880
1881
1882
1883
1884
1885
1886
1887
1888
1889
1890
1891
1892
1893
1894
1895
1896
1897
1898
1899
1900

مجلس شورای ملی
روز شنبه ۱۳۰۲
شماره ۱۰۰

مجلس شورای ملی
روز شنبه ۱۳۰۲
شماره ۱۰۰

مجلس شورای ملی
روز شنبه ۱۳۰۲
شماره ۱۰۰

مجلس شورای ملی
روز شنبه ۱۳۰۲
شماره ۱۰۰

مجلس شورای ملی
روز شنبه ۱۳۰۲
شماره ۱۰۰

مجلس شورای ملی
روز شنبه ۱۳۰۲
شماره ۱۰۰

